

ترکیه و رفتار شگفتی ساز



سید محمد کاظم سجادیپور
تحلیلگر مسائل بین الملل

در اخبار مربوط به تحولات سوریه، مطلبی در فضای مجازی دست به دست گشت که شگفت‌انگیز و پرسش برانگیز بود و آن اینکه یکی از منسویین و نزدیکان یکی از شخصیت‌های طراز اول ترکیه، نوشته بود «بعد از صد سال پرچم ترکیه بر فراز حلب افراشته شد.» این جمله، روح خاصی را انعکاس می‌دهد و آن احساس بازگشت به امپراتوری عثمانی است، اینکه چقدر در مورد صحت ادعاهای تاریخی باید بحث کرد، موضوعی پیچیده و چندلایه است ولی آنچه جلب توجه می‌کند بیژاک روان امپراطوری‌های گذشته در روابط بین‌المللی معاصر است و این به نوبه خود پرسشی جدی و قابل تأملی را به پیش می‌کشد و آن اینکه چگونه می‌توان نسبت بین امپراتوری‌های پیشین و روابط بین‌المللی معاصر را مورد مطالعه و مذاقه قرار داد؟ در پاسخ به «واقعیت‌های مربوط به ارجاع به امپراتوری‌ها در رفتار بین‌المللی برخی از کنشگران پرداخت»، سپس «روایت پردازی‌هایی که در ارتباط بین امپراطوری‌ها و شرایط کنونی می‌شود را بررسی کرد» و سرانجام آنکه «علت برآمدن بحث امپراتوری‌ها و روابط بین‌المللی را واکاوی کرد.» در بیش از سه دهه‌ای از فروپاشی ساختار نظام دو قطبی می‌گذرد، واقعیت آن است که مجموعه و منظومه‌ای از مفاهیم، واژگان و نظریه‌ها پیرامون امپراتوری‌ها و تمدن‌ها وارد بحث‌ها و گفت‌وگو‌های روابط بین‌المللی شده است. در هر کدام از این بحث‌ها، که بعضا بایکدیگر متضاد و تناقض هستند البته منافع تعدادی از بازیگران، به صورت نهفته و آشکار، ایفای نقش می‌کنند و جلب‌آنکه برخی از کنشگران روابط بین‌المللی، از نهادها و مظاهر تمدن‌های پیشینی که بدان تعلق داشته، استفاده‌های جدی سیاسی می‌کنند. تغییر نام‌ها، برجسته کردن برخی از مکان‌های تاریخی و تمرکز بر برخی از دوران‌های شکوفایی امپراتوری‌ها توسط دولت نمونه‌ای از این کنش‌هاست. شاید برجسته‌ترین مثال‌ها را بتوان در روسیه، ترکیه و تا حدودی هند مورد شناسایی قرار داد. در ۲۰۲۱، در روسیه سیصدمین سال تأسیس امپراتوری روسیه توسط برخی از محافل و گرایش‌ها، جشن گرفته و برجسته شد. برپایی امپراتوری روسیه توسط پتر بزرگ در ۱۷۲۱، موضوع بحث‌های گوناگونی در روسیه شد و حتی موسسه تحقیقاتی موسوم به باشگاه والدی، گزارش مستقلی در مورد معنا و مفهوم ۳۰۰ سالگی امپراتوری روسیه منتشر ساخت. شهر سن پترزبورگ در مقایسه با مسکو، مورد ستایش قرار گرفت و نمادهای تزاری با درخشش خاص مطرح شدند. ترکیه نیز، دوران عثمانی را ستایش کرد. تفکر نو عثمانی و وارداتیات سیاست خارجی آن کشور شود. سریال‌های تلویزیونی در بزرگداشت حاکمان عثمانی ساخته و علاوه بر ترکیه، در سایر کشورهای منطقه به نمایش گذاشته شد، کاخ‌های نوین بر پایه قصرهای سلطان‌های عثمانی ساخته شد و نام ترکیه در زبان لاتین تغییر الفبا و آوا پیدا کرده و به آنچه ترکیه، خود آن را صدای می‌کند، یکی شد. هند نیز وارد این جرگه شده و به بازسازی گذشته و فرهنگ هندی، در قالب‌های سیاسی و بین‌المللی پرداخته است. چین نیز احیا گذشته را صورت‌های اقتصاد‌های نوین داده است. این واقعیت‌ها توأم با روایت پردازی‌های رنگارنگ است روایت‌ها از منابع و آبخشورهای گوناگونی سرچشمه می‌گیرد. برخی از روایت‌ها، توجه‌گر سیاست‌های نوین منطقه‌ای کنشگرانی هستند که تمایلات سیاسی و بعضا توسعه ارضی خود را در زرق تاریخ می‌پیچند، اما برخی دیگر بر ساخته‌هایی برای مقابله با کنشگرانی است که عرض اندام‌های منطقه‌ای و بعضا جهانی داشته و این به مذاق برخی دیگر از بازیگران خوشایند نیست. نمونه این برساز و روایت پردازی‌ها می‌تواند در کتاب جدید انتشاراتی چینی مانکوف دید. عنوان کتاب وی «امپراتوری‌های ارواسیا: چگونه میراث‌های امپراتوری امنیت بین‌المللی را شکل می‌دهد؟» است. وی در این کتاب با توجه به اهمیت ارواسیا در مناسبات جدید بین‌المللی به چهار کنشگر این پهنا ی ژئوپلیتیکی یعنی چین، روسیه، ایران و ترکیه پرداخته و سعی کرده است آنها را از سایر کنشگران روابط بین‌المللی متفاوت جلوه دهد. بحث اصلی مانکوف آن است که این چهار کنشگر به خاطر میراث امپراتوری، دارای نگرش متفاوتی به خود و دیگران، مخصوصا در مناطق پیرامون خویش دارند. آنها همه با مفهوم امپراطوری‌های غربی از نظر مانکوف متفاوت بوده و نسبت به وضعیت کنونی روابط بین‌المللی تجدید نظر طلب هستند. او در این میان پدیده‌هایی چون هویت، محیط و حوزه نفوذ فرهنگی، و مرزهای جغرافیایی را روایت سازی خاصی کرده و در عمل آنها را محلی برای نگرانی در روابط بین‌المللی قلمداد می‌کند. البته هر کدام از کنشگرانی که از آنها در این کتاب ذکر شده، خود نه یک روایت، بلکه روایت‌های متعددی از نقش خویش‌تر دارند. قصد آن نیست که به روانی‌ویا ناروانی روایت‌ها پرداخته شود، بلکه توجه این موضوع است که در خصوص کنشگران امپراتوری پایه، روایت پردازی‌های متنوعی در عرصه روابط بین‌المللی می‌شود. در علت‌یابی، برآمدن بحث امپراتوری‌ها و روابط بین‌الملل باید به چند نکته اشاره کرد. اول آنکه از لحاظ تاریخی، امپراتوری‌ها، واقعا به روابط بین‌المللی شکل داده‌اند. از امپراتوری کهن هخامنشیان در ایران گرفته تا امپراتوری‌های اسپانیا، هلند، فرانسه و انگلیس در سده‌های معاصر، آنها در شکل دادن به شبکه‌های بین‌المللی مخصوصا در حوزه تجارت نقش داشته، هنجارهای مربوط به مدیریت روابط بین‌کشورها را تعریف کرده و به مناسبات جهانی، براساس الگوها و منافع خود، نظم بخشیده‌اند. اما نکته دوم آنکه، پایان جنگ سرد، دو قطبی مصنوعی جهان در حوزه فرهنگ و ارزش‌های تمدنی را خاتمه داد و فضای طرح تمدن‌های گوناگون و کنشگرانی که از دل تمدن‌های مختلف برمی‌آیند باز شد و سومین نکته آنکه فضای عمل کنشگران منطقه‌ای نیز گسترش پیدا کرد. دیگر فقط قدرت‌های جهانی نسبتی نیستند که به سامانه روابط بین‌المللی شکل می‌دهند، بلکه قدرت‌های منطقه‌ای، ورزه و چگالی فراوانی را در سیاست‌های مناطق پیرامونی، بلکه بعضا در گسترده جهانی یافته‌اند. درک این نکته از آنجا اهمیت دارد که دیگر نمی‌توان با قالب‌های کهنه به بیویایی برسرام‌آور روابط بین‌المللی نگریست. در جهان امروز کنشگران متعدد و متنکر شده‌اند، اما در کنشگری همه دارای سابقه و پیشینه امپراتوری نیستند. این پدیده به پیچیدگی مناسبات کنشگران امپراتوری پایه، مخصوصا با مناطق اطراف آنها می‌افزاید. دیگر همه راه‌ها را نمی‌توان به مسکو و واشنگتن ختم کرد و راه‌ها و کنشگری در راه‌های استراتژیک، رنگارنگ و متنوع و بعضا پرابهام کرده‌است. هرچه هست نسبت امپراتوری‌ها و روابط بین‌الملل، چه در گذشته و چه در حال، موضوعی پرلایه، برجانش و جدی است.

یوسف مولایی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

فعال شدن مکانیسم ماشه

به تصمیمات آینده ایران بستگی دارد



حاکمیت هوشمند باید متناسب با اتفاقات

جهان از خود انعطاف نشان بدهد

فعال کردن مکانیسم ماشه به اهرمی برای فشار به

ایران تبدیل شده است



علیه ایران کم‌کم جزم می‌شود. نمایندگان ترونیکی‌های اروپایی در سازمان ملل به شورای امنیت اعلام کرده‌اند که در صورت لزوم آماده استفاده از مکانیسم ماشه و بازگرداندن تحریم‌ها علیه ایران هستند. این در حالی است که این کشور ها توانایی انجام چنین اقداماتی را در ۱۸ اکتبر سال آینده، زمانی که قطعنامه ۲۲۳۱ سازمان ملل منقضی می‌شود، از دست خواهند داد. اروپایی‌ها مدعی‌اند که افزایش ظرفیت غنی‌سازی اورانیوم توجیه غیرنظامی ندارد و تلاش می‌کنند با تهدید به فعال کردن مکانیسم ماشه تهران را تحت فشار قرار دهند. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی ایفاد مختلف این موضوع با دکتر یوسف مولایی استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

آرمان ملی- احسان انصاری: مکانیسم ماشه در راستای حل اختلاف پیش‌بینی شده در برجام فرآیندی است که اگر یکی از طرف‌های برجام به این جمع‌بندی برسد که طرف دیگر به تعهدات ذکر شده در این توافق پایبند نیست می‌تواند به کمیسیون مشترک شکایت کند. سازوکار ماشه با سازوکار رسیدگی به اختلاف در برجام با اصرار آمریکایی‌ها در این توافقنامه گنجانده شده تا به ادعای آنها اگر ایران از برجام سرپیچی کرد، تحریم‌های بین‌المللی که با برجام برچیده شده، دوباره بازگردد یا بازگشت خودکار سریع استنباط شود. در شرایط کنونی و در حالی که یک دور مذاکره بین ایران و کشورهای اروپایی در ژنو برگزار شد و قرار بر این بود که روند مذاکرات ادامه پیدا کند، به نظر می‌رسد عزم اروپایی‌ها برای فعال کردن مکانیسم ماشه

ماشه نیازمند چه سازوکاری است و آیا در شرایط کنونی زمینه‌های آن وجود دارد؟

از نظر حقوقی به هر بهانه‌ای می‌توان مکانیسم ماشه را فعال کرد و در حال حاضر چند بهانه برای این کار وجود دارد. کشورهای اروپایی ادعا می‌کنند ایران تعهدات خود را در برجام نقض کرده است و با این ادعا می‌توانند مکانیسم ماشه را فعال کنند. از سوی دیگر اگر کشورهای اروپایی به این نتیجه برسند که ایران به تعهدات هسته‌ای خود پایبند نبوده، می‌توانند پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت ارجاع بدهند و در آنجا درباره آن رای‌گیری خواهد شد که آیا آنچه در درون برجام به سود ایران بوده تداوم پیدا کند یا خیر. اگر یکی از کشورهای عضو برجام مخالف این روند باشد این اتفاق رخ خواهد داد. شرایط نیز مانند گذشته نیست که کشورهایمانند روسیه و چین بتوانند نقش آفرینی خاصی داشته باشند و چنین تصمیمی را وتو کنند. در نتیجه وجود یک مخالف می‌تواند باعث شود مکانیسم ماشه از ابتدا تا انتها مسیر خود را طی کند. برای این کار دلیل حقوقی خاصی نیز وجود ندارد. گزارش‌هایی که از انس بین‌المللی انرژی هسته‌ای در مورد ایران منتشر می‌کند، منفی است و مدعی است ایران در این زمینه همکاری‌های لازم را انجام نمی‌دهد. این موضوع هم می‌تواند دستاویزی برای یکی از کشورهای اروپایی باشد تا مکانیسم ماشه را فعال کند. براساس آنچه از انس گزارش می‌کند ایران میزان غنی‌سازی را افزایش داده و ذخیره اورانیوم غنی شده را بیشتر کرده و اجازه دسترسی به بازرسان آژانس در برخی سایت‌ها را نمی‌دهد. همه این مسائل بهانه است و می‌تواند زمینه فعال شدن مکانیسم ماشه را توسط کشورهای اروپایی به وجود بیاورد. زیاد لازم نیست دلیل ویژه‌ای شکل بگیرد تا این اتفاق رخ بدهد و بلکه اگر همین روند موجود ادامه پیدا کند فعال شدن مکانیسم ماشه محتمل خواهد بود.

آیا کشورهای اروپایی با توجه به شرایط منطقه و روی کار آمدن ترامپ برای تحت فشار دادن بیشتر ایران دنبال فعال کردن مکانیسم ماشه هستند؟

هنگامی که یک کشور در یک توافق بین‌المللی منافی نداشته باشد، تضمینی نیز برای حضور آن کشور وجود ندارد. به همین دلیل باید منافع طرفین قرارداد تأمین شود

از نظر حقوق بین‌الملل فعال کردن مکانیسم

من معتقدم باید موضوع روی کار آمدن ترامپ با فعال کردن مکانیسم ماشه را به صورت جداگانه و به عنوان دو متغیر مستقل مورد بحث قرار داد. البته شاید کشورهای اروپایی چنین اهدافی داشته باشند.

مناقشه کشورهای اروپایی با ایران بر سر وضعیت غنی‌سازی است. حضور مجدد ترامپ در کاخ سفید در تلاش برای فعال کردن مکانیسم ماشه علیه ایران بی‌تأثیر نیست، اما این موضوع در گذشته نیز توسط کشورهای اروپایی مطرح شده است. من فکر می‌کنم بهتر است این مسائل را به هم ارتباط ندهیم و آنچه صحیح است را انجام دهیم. جامعه ایران در وضعیتی قرار دارد که تحمل فشار اقتصادی بیشتری ندارد. به هر حال یک دور مذاکره صورت گرفته و ایران باید از این طریق اجازه اعمال فشار بیشتر اقتصادی را ندهد.

آیا تغییر نگرش در برخی روندها در عرصه بین‌المللی نیاز نیست تا بتوان از شرایط پیچیده کنونی عبور کرد؟

حاکمیت هوشمند در هر کشوری باید متناسب با اتفاقاتی باشد که در جهان رخ می‌دهد. به نظر می‌رسد این اتفاق در ایران رخ بدهد. هرچند هنوز چنین تغییری را نمی‌توان مشاهده کرد. گاهی در گذشته، شرایط بهتر از امروز بود اما به هر دلیل ایران شرایط را نپذیرفت. برخی از چالش‌های امروز را باید به سرعت حل کرد. اگر ایران شرایط جدید را بپذیرد از نظر سیاسی و اقتصادی به این معناست که چالش‌های متعددی وجود دارد. همیشه این احتمال هست که کشورهای غربی دنبال سوءاستفاده و زیاده خواهی باشند. ما باید تلاش کنیم از توانایی‌هایی که داریم در عرصه بین‌المللی استفاده کنیم. بقیه موضوعات تکنیکی و حاشیه‌ای است. ایران اگر از قدرت کافی برخوردار باشد می‌تواند تا ابد از منافع خود دفاع کند و توافقاتنامه‌هایی را امضا کند که در راستای منافع ملی کشور باشد. زورآزمایی‌هایی که در عرصه بین‌المللی وجود دارد و زمینه را برای شکل‌گیری فرایندهای حقوقی به وجود می‌آورد، به همین دلیل ایران باید در زمینه قدرت نرم و قدرت سخت وضعیت خود را بهبود ببخشد تا بتواند به اهداف خود در مجامع بین‌المللی دست پیدا کند. آنچه برای ایران امنیت می‌آورد قدرت است که بخشی از آن نیز قدرت نرم و دیپلماسی است. قدرت نرم نیز درگرو رضایتمندی مردم است. هر چه رضایتمندی مردم افزایش پیدا کند به همان اندازه قدرت نرم ایران افزایش پیدا می‌کند. ایران می‌تواند به پشتوانه قدرت نرمی که از چانه‌زنی و رضایتمندی مردم می‌گیرد در عرصه بین‌المللی جایزه‌های بهتری انجام بدهد و در نتیجه بهتر می‌تواند منافع خود را محقق کند.

در خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب که به زودی ابلاغ خواهد شد به شکل قاطعی با دانه درشت‌ها، سر حلقه‌ها و سودجویانی که در مقابل قوانین می‌ایستند برخورد خواهد شد. ما نیازمند نظام‌سازی قرائی در جامعه هستیم. مجلس نیازمند در پی نیاز مردم به روزرسانی قوانین هدفمند است و حجاب و لزوم پاسخ به نیازهای جدید به این موضوع ورود و قانون جامعی در حوزه عفاف و حجاب را تصویب کرد. هر چند اشکالاتی به این قانون وارد است، اما تلاش شده مواجعه به صورت فرآیندی باشد، رعایت آداب شرعی مدنظر قرار گرفته و برای مردان قانون‌شکن در ماده ۵۰ جریمه در نظر گرفته شده در حالی که در قوانین سابق تنها بانوان جریمه می‌شدند. اولویت اقدامات فرهنگی و ایجابی با وزن بیشتری در این قانون دیده شده و به نظر می‌رسد بتوان در جهت استحکام بنیان خانواده و کاهش طلاق و پدیده‌هایی مانند ازدواج سفید گام در این نشست گفت: در قانون حمایت

مدافعان آن هنوز نتوانسته‌اند پاسخ قابل قبول به شائبه‌های سیاسی مطرح شده بدهند. از یک نماینده انتظار نمی‌رود که موضوعات مهم و دامنه‌دار را اینطور کوچک و ساده نشان بدهد. هرچند قبل از اینکه موافقان و مدافعان قانون حجاب، از تصدّد نشان دادن تأثیر آن در جامعه باشند، باید پاسخگوی نقدهای مطرح شده از سوی برخی مراجع عظام و صاحب‌نظران سیاسی و اجتماعی باشند. موافقان این قانون باید نشان بدهند که چگونه می‌توان جلوی گسترش نارضایی ناشی از برخورد در سطح اجتماع را گرفت. مگر نه این است که در این قانون پیش‌بینی شده که بخشی از موضوع روی دوش مردم باشد؟

در حاشیه سخنان یک نماینده مدافع قانون عفاف و حجاب

مواجهه قانونی یا فشار سیاسی؟

انتظار یا آرزو؟
فاطمه محمد بیگی، نماینده در صفحه شخصی خود با انتشار تصویری از نشست فراکسیون زنان مجلس با بنیاد ملی عفاف و حجاب کشور نوشت: در پی نیاز مردم، قانون حجاب تصویب شد. وی افزود: برخورد قاطع با دانه درشت‌ها، سر حلقه‌ها سودجویان در قانون عفاف و حجاب. قانون عفاف و حجاب گامی بلند برای کاهش طلاق و ازدواج سفید. نشست رئیس و اعضای فراکسیون زنان و خانواده مجلس شورای اسلامی با حضور رئیس هیات مدیره، مدیرعامل بنیاد ملی عفاف و حجاب و اعضای هیات مدیره بنیاد ملی عفاف و حجاب برگزار شد. محمد بیگی رئیس فراکسیون زنان و خانواده مجلس در این نشست گفت: در قانون حمایت

جاه طلبی‌های عربستان
معلق بین آمریکا و اسرائیل

جاه‌طلبی‌های راهبردی عربستان سعودی با شکست تلاش این بازیگر جهت انعقاد معاهده دفاعی گسترده با ایالات متحده، چرخش قابل توجهی پیدا کرده است. پادشاهی که در ابتدا خود را برای عادی سازی روابط با اسرائیل آماده کرده بود، امروزه سوی یک هدف دست‌یافتنی‌تر -توافقاتنامه همکاری نظامی- تغییر جهت داده و بر این گزاره متمرکز شده است. اوراسیا رویو مدعی شد: این رویکرد نشان‌دهنده تعامل پیچیده ژئوپلیتیک منطقه‌ای ریاض، ملاحظات داخلی و ائتلاف‌های در حال تغییر است که درگیری‌های اسرائیل و فلسطین نقش اصلی را در قابش ایفا می‌کند.

ریاض و آرمان فلسطین
مذاکرات اولیه عربستان سعودی با ایالات متحده با هدف تضمین یک معاهده امنیتی متقابل جریان داشت. این پیمان پیشنهادی آمریکا را به دفاع از عربستان سعودی در صورت هرگونه تجاوز خارجی ملزم می‌کند و مشابه قراردادهای دفاعی است که ایالات متحده با ژاپن و کره جنوبی منعقد کرده است. در مقابل، واشنگتن از ریاض می‌خواهد تا زمینه را برای عادی سازی روابط با تل‌آویو هموار سازد. اقدامی دارای پتانسیل دگرگون‌کننده برای ژئوپلیتیک خاورمیانه. برای تسهیل این توافق، ریاض در ابتدا موضع خود را در قبال مسأله فلسطین منعطف و هرگونه عادی سازی رابطه با اسرائیل را به شناسایی راه حل دو کشوری منوط کرد. گزاره‌ای که بعید است تل‌آویو با آن موافقت کند. با این حال، عملیات نظامی اسرائیل در غزه خشم عمومی را در سراسر خاورمیانه برانگیخته و محاسبات دیپلماتیک ریاض را پیچیده کرده است. محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی از آن زمان بارها تأکید داشته که عادی سازی روابط با اسرائیل منوط به برداشتن گام‌های مشخص در جهت ایجاد یک کشور فلسطینی است. این موضع با احساسات گسترده منطقه‌ای همسو است و بر محوریت پایدار آرمان فلسطین در گفت‌وگوهای سیاسی عرب تأکید می‌کند. در مقابل بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر، همچنان مشتاق است تا فرایند عادی سازی روابط با عربستان سعودی را تضمین کند و آن را یک پیشرفت تاریخی می‌داند. با این حال، محدودیت‌های سیاسی داخلی، به ویژه مخالفت‌های درون ائتلاف حاکم، ارائه هرگونه امتیاز معناداری به فلسطینی‌ها را از منظر سیاسی غیرقابل امکان جلوه داده است. در چنین شرایطی چشم‌انداز یک معاهده دفاعی در ابداً وسیع و فعلا دست‌نیافتنی است. عربستان سعودی و ایالات متحده در حال مذاکره بر سر یک توافقنامه همکاری نظامی کوچک هستند. این پیمان پیشنهادی بر اقدامات عملی تأکید دارد. اقداماتی چون رمزنامه‌های مشترک، افزایش همکاری در مانورهای نظامی برای مقابله با تهدیدهای مشترک (عالمی) منطقه‌ای. علاوه بر آن مقوله‌هایی چون سرمایه‌گذاری در فناوری دفاعی، سرمایه‌گذاری عربستان در فناوری‌های پیشرفته، مانند دفاع از هواپیماهای بدون سرنشین و تقویت همکاری بین شرکت‌های دفاعی ایالات متحده و عربستان سعودی، پشتیبانی دفاع موشکی و استقرار بالقوه یک گردان موشکی باتیوت ایالات متحده برای تقویت قابلیت‌های دفاعی عربستان سعودی، افزایش حضور ایالات متحده و پشتیبانی گسترده آمریکا در آموزش، تدارکات و امنیت سایبری در داخل پادشاهی در قبال این پیمان تعریف شده است.

چالش‌های بن‌سلمان
پادشاهی همچنان نگران تهدیدات (ادی) محور مقاومت است. در این میان فعل و انفعال‌های حوثی‌ها در یمن به یکی از دغدغه‌های امنیتی پادشاهی تبدیل شده است. حملات ویرانگرانی که در سال ۲۰۱۹ به تاسیسات نفتی عربستان، آسیب‌پذیری چارچوب امنیتی ریاض را برجسته کرد. به طور همزمان، عربستان سعودی به دنبال متعادل کردن روابط خود با ایالات متحده در برابر روابط رو به رشد خود با چین است. هرگونه توافق جدید با واشنگتن احتمالاً شامل یادمان‌هایی برای جلوگیری از همکاری شرکت‌های دفاعی سعودی با یکن می‌شود که نشان‌دهنده نگرانی‌های ایالات متحده در مورد نفوذ چین در منطقه‌ای است. همزمان بن سلمان در داخل با چالش‌هایی روبه‌رو است، چرا که همسو کردن جاه‌طلبی‌های سیاست خارجی عربستان سعودی با افکار عمومی، به ویژه در مورد مسئله فلسطین برای ولیعهد جوان به مأموریتی دشوار تبدیل شده است.

بازگشت ترامپ
در چنین شرایطی بازگشت احتمالی دونالد ترامپ به کاخ سفید پایه‌معدلات را پیچیده‌تر خواهد کرد. ترامپ به عنوان متحد نزدیک بن سلمان، ممکن است برای احیای طرح صلح ۲۰۲۰ که به شدت به نفع اسرائیل بود و آرزوهای تشکیل کشور فلسطین را نادیده می‌گرفت، ریاض را تحت فشار قرار دهد.